

فراخوان

نظر شما چیست؟

چنان‌که مستحضرید اسمال یک صدمین سال انقلاب مشروطه است . به همین مناسبت روزنامه شرق یک صد روزنامه را به موضوع ایران، یک صد سال پس از مشروطه ، تجارب گذشته و چشم انداز آینده اختصاص داده است . لذا از شما سرور گرامی خواهشمندم درباره یکی از مسائل ذیل و یا موضوعات مشابه که خود صلاح می دانید، یادداشتی در حدود دو الی سه صفحه دست خط یا یک صفحه تایپ تهیه کنید تا در شرق درج شود. این صفحات از اردیبهشت ماه آغاز شده است . لازم به ذکر است که برای هر مقاله یک ستون در نظر گرفته شده است . لذا امکان درج مقالات بلند در این صفحات نیست. اما جتباعالی می توانید یادداشت های متعدد بنویسید که شرق از انتشار آنها استقبال خواهد کرد . نوشتار خود را می توانید به صورت فاکس به شماره ۰۲۲۰۳۴۵۱۵ ارسال فرمایید . با تاکید بر اینکه روی آن قید فرمایید: صفحه مشروطیت.

یا به صورت ای میل ارسال فرمایید: sadmashrot@gmail.com

برخی موضوعات پیشنهادی :

- برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک و قانون مدار، با چه موانعی روبه‌رو هستیم (ریشه‌ای ترین مانع برای دستیابی به جامعه‌ای قانون مدار و دموکراتیک چیست؟)
- چرا وقتی به آزادی می‌رسیم نمی‌توانیم آن را حفظ کنیم؟ (نمونه: مشروطه، نهضت ملی، اوایل انقلاب)
- علل عدم اقبال وسیع مردم به تشکل ها و احزاب چیست؟
- چرا احزاب و تشکل هایی با ساختار دموکراتیک و پایدار کم داریم؟ لوازم ایجاد یک حزب پایدار چیست؟
- مهمترین نقاط ضعف جریان روشنفکری در ایران را چه می‌دانید؟
- در اصلاح جامعه، بین حکومت و مردم، کدام یک اصالت و ارجحیت دارد؟ چرا؟
- برای ایجاد فرهنگ دموکراتیک در میان مردم چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟
- گفته شده جامعه ما استبداد را بازتولید می‌کند، شما چه نظری دارید؟ چرا؟
- به جز عامل خارجی چه ضعف هایی را زمینه‌ساز کودتای رضاخان و کودتای ۳۲ می‌دانید؟
- آیا مشکلات جامعه و مردم در صدر مشروطیت حل شده است؟ چرا؟
- چرا تشکل ها و احزاب در حل تضادهای درونی شان با مشکل روبه‌رو می‌شوند؟
- به رفتار مردم در انتخابات چه نقدی وارد است؟
- برای گریز از بی تفاوتی سیاسی چه می‌شود کرد؟
- چرا جریان های سیاسی نمی‌توانند با هم ائتلاف کنند؟
- اجرای چه اصولی از قانون اساسی مغفول مانده است؟

- چرا بسیاری به جای انتقاد قهر می‌کنند؟
- چرا احزاب و گروه‌ها همواره دچار انشعاب می‌شوند؟
- تاثیر اقتصاد سیاسی بر احزاب و مطبوعات مستقل را چگونه ارزیابی می‌کنند؟
- نقش ساختار سیاسی در سیاست‌ورزی در ایران چیست؟
- دلائل ضعیف بودن نهادهای مدنی را در ایران چه می‌دانید؟
- شاخص های جامعه دموکراتیک چیست ؟
- عدم پایداری مطبوعات مستقل و سراسری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- درباره نسبت استبداد و آزادی چه نظری دارید؟
- درباره نسبت آزادی و امنیت چه نظری دارید؟
- درباره نسبت دموکراسی، استقلال و امنیت چه نظری دارید؟
- نقش شهروند ماهر و مسئول در تحقق توسعه همه جانبه در ایران چیست؟ و چگونه می‌توان این نقش را ارتقا داد؟

کتاب شناسی

نهضت مشروطه ایران

وزارت امور خارجه به مناسبت و اقتضای وظایفش در همه کشورها و نیز در ایران همیشه غنی ترین گنجینه اسناد مربوط به سیاست خارجی را در اختیار داشته است . انتشار اینگونه اسناد برای پژوهشگران تاریخ و روشن شدن حقایق تاریخی و شناخت علل دگرگونی سیاست های داخلی و خارجی و تحولات گذشته کشور ، اهمیت بسزایی دارد . کتاب «نهضت مشروطه ایران» نیز بر پایه اسناد وزارت امور خارجه در سال ۱۳۷۰ از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی در ۱۹۹ صفحه انتشار یافت . بخش محدودی از اسناد موجود در آرشيو وزارت امور خارجه مربوط به نهضت مشروطه ایران و چگونگی پیدایش این نهضت است که از نظر موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . از این رو شایسته آن بود که روی این بخش از اسناد تحقیقی دقیق انجام پذیرد و بر پایه آن اسناد برای شناخت نهضت مشروطه و چگونگی آن کتابی تدوین شود.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir

گزارش سال ۱۳۰۱

رضاخان سردار سپه در این سال، به ساماندهی ارتش پرداخت.

امنیت که از نان شب مردم واجب‌تر بود، سال‌های سال بود که از این دیار رخت پرسته بود . مردم هم نمی‌دانستند که سردار سپه امنیت را برای حکومت بعدی خود می‌خواهد، نه برای آنان!
عدم دخالت نظامیان در سیاست، قانونی بود که ایرانیان هنوز به درستی آن را تجربه نکرده بودند!

سردار سپه دست به کار فرو نشاندن شورش‌های محلی شد . واقعیت این است که در آن هنگام کشور ایران به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد . ستونی از ارتش برای سرکوبی شاهسون‌های سرکش، راهی اردبیل و اهر و تبریز شد . سپاهی هم به فرماندهی سرتیپ محمدخان زکریا –

سپهدش شاه بختی بعدی– برای سرکوبی الوار شورشی راهی بروجرد و لرستان شد . این سپاه پس از نبردی خونین توانست الوار شورشی را سرکوب کند و هشت تن از سران آنها را در بروجرد به دار آویزد . سپاه دیگری نیز به فرماندهی سرتیپ امان‌الله میرزا–سپهد جهانپانی بعدی– به‌سوی آذربایجان رفت و طی نبردی خونین قلعه چهریق را که سالیانی دراز پناهگاه نظامی اسماعیل آقا سمیتقو بود، درهم گوید . سمیتقو که نام وی برای اهالی سالخورده آذربایجان، هنوز هم رعب‌آور است به خارج از کشور گریخت، ولی همه امکانات نظامی و دارایی‌های نامشروع او به چنگ سردار سپه و نزدیکان نظامی وی افتاد . به مناسبت این فتح و پیروزی روزنامه‌های هوادار سردار سپه مقاله‌ها نوشتند . احمدشاه نیز از پاریس با تلگرافی پیروزی سپاهیان را به سردار سپه تبریک گفت . اکنون او پس از این فتح و پیروزی‌ها، در اندیشه فتح کابینه و سپس کاخ شاهی بود! شگفتا که اقلیتی انگشت شمار در مجلس، زودتر از سایرین صدای پای استبداد را از چکمه‌های سردار سپه شنیدند؛ و آن اندک شماران سیدحسن مدرس روحانی آزاده و یاران وی بودند . آنان در آن هنگام شور و غوغا و هیاهو که از سوی نظامیان و هواداران سردار سپه بلند بود، آرامش گورستانی سردار سپه را نکوهیدند. پس از اینکه مؤتمن الملک رحل برسته میهن دوست و رئیس مجلس شورا و گروهی از نمایندگان، سردار سپه را استوندند و بی‌شادباش گفتند، معتمدالتجار نماینده تبریز برخاست و در نطق شورانگیزی سردار سپه را به

قلدری و قانون‌شکنی متهم کرد . پس از وی مدرس پشت تریبون رفت و در پشتیبانی از معتمدالتجار قانون‌شکنی‌های سردار سپه و نظامیان زیر فرمانش را یک یک برشمرد و سپس هشدار داد: «ما آنقدر قدرت داریم که می‌توانیم شاه را برداریم و طبعاً سردار سپه را نیز می‌توانیم معزول کنیم!»
پس از نطق معتمدالتجار و مدرس گویی که خفتگانی چند از خوابی ژرف برخاسته شدند، یک‌باره مطبوعات و نشریات سردار سپه و نظامیان را آماج حملات خود کردند . سردار سپه نیز قهر و به مصلحت از کار کناره‌گیری کرد .

در پی این اقدام، امیر اقتدار حاکم نظامی تهران هم از کار کناره گرفت و حکومت نظامی را منحل کرد . نظامیان که پس از روی کار آمدن سردار سپه و گرفتن بوجه‌های کلان و نیز رسیدن به مداخل در آن سرکوبی شورش‌های محلی، جانی تازه گرفته بودند و جبران شکست و ناکامی در برابر مشروطه‌خواهان را در سر داشتند، دست به تظاهرات و شورش زدند و خواهان بازگشت سردار سپه به قدرت شدند . سرانجام شاه و دولت تسلیم مانور نظامی هواداران سردار سپه شدند و به دلجویی از او پرداختند و دوباره وی را بر مسند قدرت نشاندند . چه چاره‌ای پیش رو بود؟
سردار سپه در این زمان کوتاه توانسته بود از سپاهی پراکنده، گرسنه، بی‌رخت و لباس و کم‌ارزش سپاهی پرزرو و شکم‌سیر و طرفدار خود بسازد! اینک کدام نیروی مسلح سازمان‌یافته‌ای در کشور می‌توانست جلوگیری سپاهیان سردار سپه باشد؟

محمد ولی خان خلعت‌بری سپهسالار اعظم

محمود فاضلی : محمد ولی‌خان خلعت‌بری در سال ۱۲۶۴ ه‍.ق در خرم‌آباد تکابین متولد شد . وی پس از تحصیلات معمول آن زمان وارد خدمات نظامی شد و در خدمات نظامی بسیار جسور و بی‌باک بود به‌طوری‌که در کلیه جنگ‌ها هرگز قدمی به عقب برنداشت . جسارت و شهامت وی نه تنها در امورات جنگ بود بلکه در زندگی روزمره نیز با تندخویی، کم‌حوصلگی و عصبانیتی عجیب بود . خلعت‌بری به سرعت بر اثر لیاقت، نردبان ترقی را پیمود و به لقب «سردار اکرم» دست یافت و با این لقب در گیلان و تنکابن حکومت کرد . زمانی که انقلاب مشروطیت وزیدن گرفت وی در زمره یکی از درباریان نام بود . پس از ترور میرزا اتابک توسط عباس آقا تبریزی که از مجاهدین بود این حادثه بازتاب وسیعی در میان مردم داشت و مشروطه‌طلبان را شاد کرد و باعث ترس و هراس شاه گردید و در نتیجه درباریان مشهور با مشروطه‌طلبان همدلی کرده و انجمنی را به ریاست سپر ظل‌السلطان تشکیل داده و متعاقب آن روزی در خانه علاءالدوله جمع و نامه‌ای به محمدعلی‌شاه‌نوشتند و آن اتابکی که خلعت‌بری نیز آن را امضا کرده بود لذا از همین زمان وی به مشروطه‌طلبان متمایل شد . در شرایطی که ترکمن‌ها در جهت اخلاص برای حکومت مشروطه دست به شورش زده و با تاخت و تاز مشغول بودند، تمامی چشم‌ها به سوی محمد ولی‌خان سپهدار دوخته شده بود و از وی خواستند که با دفع این فتنه اقدام نماید . ترکمن‌ها سرکوب شدند و اموال غارت شده به میدان‌ها رانده شد و دولت هم در جهت وی در تنکابن مجلسی را به نام مجلس شورا راه‌اندازی کرد و از پرداخت مالیات به محمدعلی‌شاه خودداری کرد و پرچم



صد چهره

محمود فاضلی: محمد ولی‌خان خلعت‌بری در سال ۱۲۶۴ ه‍.ق در خرم‌آباد تکابین متولد شد . وی پس از تحصیلات معمول آن زمان وارد خدمات نظامی شد و در خدمات نظامی بسیار جسور و بی‌باک بود به‌طوری‌که در کلیه جنگ‌ها هرگز قدمی به عقب برنداشت . جسارت و شهامت وی نه تنها در امورات جنگ بود بلکه در زندگی روزمره نیز با تندخویی، کم‌حوصلگی و عصبانیتی عجیب بود . خلعت‌بری به سرعت بر اثر لیاقت، نردبان ترقی را پیمود و به لقب «سردار اکرم» دست یافت و با این لقب در گیلان و تنکابن حکومت کرد . زمانی که انقلاب مشروطیت وزیدن گرفت وی در زمره یکی از درباریان نام بود . پس از ترور میرزا اتابک توسط عباس آقا تبریزی که از مجاهدین بود این حادثه بازتاب وسیعی در میان مردم داشت و مشروطه‌طلبان را شاد کرد و باعث ترس و هراس شاه گردید و در نتیجه درباریان مشهور با مشروطه‌طلبان همدلی کرده و انجمنی را به ریاست سپر ظل‌السلطان تشکیل داده و متعاقب آن روزی در خانه علاءالدوله جمع و نامه‌ای به محمدعلی‌شاه‌نوشتند و آن اتابکی که خلعت‌بری نیز آن را امضا کرده بود لذا از همین زمان وی به مشروطه‌طلبان متمایل شد . در شرایطی که ترکمن‌ها در جهت اخلاص برای حکومت مشروطه دست به شورش زده و با تاخت و تاز مشغول بودند، تمامی چشم‌ها به سوی محمد ولی‌خان سپهدار دوخته شده بود و از وی خواستند که با دفع این فتنه اقدام نماید . ترکمن‌ها سرکوب شدند و اموال غارت شده به میدان‌ها رانده شد و دولت هم در جهت وی در تنکابن مجلسی را به نام مجلس شورا راه‌اندازی کرد و از پرداخت مالیات به محمدعلی‌شاه خودداری کرد و پرچم

صدای پای استبداد از چکمه‌های سردار سپه



در این سال دستگاه دولت نیز همچنان آشفته بود . در پی تظاهرات مخالفین مشیرالدوله وی استعفا داد، ولی مجلس دوباره او را برای رئیس‌الوزاری برگزید . مشیرالدوله اما زیر بار نرفت و باز هم استعفا داد . مجلس به ناگزیر رای تمایل به قوام‌السلطنه داد و سردار سپه در این کابینه هم وزیر جنگ بود . اما در ماه‌های پایانی این سال قوام‌السلطنه هم در برابر حملات انتقادی سوسیالیست‌های مجلس به رهبری سلیمان میرزا اسکندری تاب نیاورد و استعفا داد . پس از او مجلس به مستوفی‌الممالک ابراز تمایل کرد که وی نیز از سوی اقلیت مجلس به رهبری سیدحسن مدرس مورد حمله قرار گرفت . مدرس معتقد بود که رچل کابینه‌اش و میهن‌دوستی همانند مشیرالدوله که مردی معتدل، آرام و میانه‌رو بود به درد شرایط آن دوران نمی‌خورد . مدرس در واقع به دنبال کسی بود که بتواند جلو نفوذ روزافزون سردار سپه را در عرصه سیاست بگیرد . ولی افسوس که همین مخالفت اوضاع را به سود سردار سپه آشفته‌تر می‌کرد و در حقیقت همین کابینه‌اندازی‌ها، خواست قلبی سردارسپه بود و کار وی را پیش می‌برد . هنگامی که مشیرالدوله در مجلس برنامه دولت خود را اعلام کرد، مورد حمله مدرس و یارانش قرار گرفت . کار به جایی رسید که در جلسات علنی و غیرعلنی و نیز در بیرون مجلس دودستگی و آشوب و زدوخورد میان موافقین و مخالفین درگرفت و همه این کارها به سود سردار سپه بود!

در حوزه فرهنگ نیز رویدادهای قابل تاملی رخ داد . در آغاز این سال شورای عالی معارف که در آن کسانی همانند ذکاءالملک فروغی و دکتر امیراعلم و غلامحسین رهنما و علی‌اکبر دهخدا و تنی چند از اهل ادب و فرهنگ عضویت داشتند، آغاز به کار کرد . نخستین شماره روزنامه کوشش به مدیریت شکرالله‌خان از اصفهان نیز که هفته‌ای سه روز منتشر می‌شد، روی دکه‌ها رفت . روزنامه مردآزاد هم که مدیریت آن را علی‌اکبرخان–

از راست: سردار ظفر محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله، امیر آقاخان محمدالدوله

علی‌اکبر داور وزیر عدلیه بعدی– برعهده داشت ، به خانواده مطبوعات پیوست . همچنین روزنامه پیکان به مدیریت محمد وثوق همایون – پدر عبدالحسین هژیر– منتشر شد که نویسنده و سردبیر آن فرزندش عبدالحسین‌خان بود که در آن هنگام منشی و مترجم سفارت روسیه در تهران بود . نکته شایان توجه در این عرصه آنکه در بهمن ماه این سال، روزنامه بلندبان قیام به مقام سلطنت و شخص احمدشاه توهین کرد و شاه نیز به دادگاه مطبوعات شکایت برد . شعبه دوم محکمه استیناف تهران شکایت شاه از روزنامه قیام را مورد رسیدگی قرار داد، اما شاه از شکایت خود صرف‌نظر کرد! این هم خبر خوشی بود که از دوران مشروطه در تاریخ ایران به یادگار خواهد ماند .

در این سال قانون محدودیت زمانی ماموریت سیاسی ایرانیان در خارج از کشور به تصویب رسید . طبق این قانون ماموران سیاسی ایران بیش از پنج سال نمی‌توانند در کشور محل ماموریت خود بمانند . همچنین در تابستان این سال، لایحه استخدام و اختیارات دکتر میلنوی آمریکایی که به‌جای مورگان شوستر برای اداره امور مالی ایران در نظر گرفته شده بود، تصویب شد و او و هیات کارشناسان همراهش به تهران آمدند . بانک استقراضی روس هم که طبق قرارداد ۲۳ آذرماه سال پیش به دولت ایران واگذار شده بود، حسابرسی و معلوم شد که بسیاری از رجال و شاهزادگان ایرانی مبلغ کلانی به این بانک بدهکار هستند . تنها بدهی محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی سپهسالار اعظم بعدی– به این بانک، بیش از یک میلیون تومان بود! لایحه قانونی محاکمه وزرا در ۱۳۱ ه‍.ده در این سال تقدیم به مجلس شد– همان قانونی که بعدها رضاشاه با آن وزیرانی همانند تیمورتاش و نصرت‌الدوله و . . . را به خاک برداشت . قانون استخدام کشوری هم در این سال به تصویب مجلس رسید .

عین‌الدوله، مشکل اصلی مشروطه‌خواهان

نظامنامه و تدارک تاسیس عدالتخانه هستم . « مرحوم طباطبایی می‌گوید: «این رای صحیح نیست چون اگر قبول کند که عدالتخانه را تاسیس کند دیگر حتی بر ما نیست و خواهد گفت این کار دو سال طول خواهد کشید . « آقای بهبهانی می‌گوید: «اگر گفت دو سال از او سند و نوشته می‌گیریم که پس از اتمام مهلت به آن عمل کند . « طباطبایی در جواب می‌گوید: «دستخط و سند او معتبرتر است یا پادشاه. همان‌طور که امروز از دستخط شاه عذر و بهانه عدول می‌کنند آن روز نیز چنین می‌کنند . تازه اگر صدراعظم عرض شود صدراعظم جدید خواهد گفت تعهدات صدراعظم قبلی به من ربطی ندارد . « در همین بین آقا شیخ‌محمدرضا کاشانی پیشنهاد می‌کند خوب است در این مورد به قرآن تفال بزنیم . قرآن می‌آورد مرحوم طباطبایی به قرآن تأمل می‌زند و این آیه مبارکه را قرائت می‌کند . «ای کسانی که گرویده‌اید به خدا و رسول، فرا نگیرید دشمنان من و دشمنان خود را دوستان و با ایشان طرح می‌باحث می‌کنید . لقا می‌کنید و می‌رسید به سوی ایشان دوستی را به سبب مکاتبه در حالی که کافرنده و تصدیق نکرده‌اند به آنچه آمده است به شما . . . پس ایشان را دوست نگیرید و با ایشان دوست نکنید . « بعد از قرائت این آیات توسط مرحوم طباطبایی بالجمله آقایان از این اقدام منصرف می‌شوند . لازم به ذکر است با این استدلال‌ها بهبهانی نیز قانع و از پیشنهاد خود منصرف می‌شود . البته بهبهانی چند روز دیگر با عین‌الدوله به صورت مخفیانه دیدار می‌کند که شرح آن جریان در زمان مناسب گفته خواهد شد .

پی‌نوشت :

۱– روزنامه جبل‌المتین ، شماره ۳۷ سال، ۱۳ .

سال سوم ■ شماره ۷۶۵ *شرق*

نگاه

اصول اساسی وبنیادی یک حزب

اسماعیل روحانی

حزب شرایط و الزاماتی دارد که عبارتند از :

الف- حزب و بدنه آن مانند مخروطی است که در راس آن

صد تکه

پایه گذاران و بنیان حزب قرار دارند و با اهداف و آرمان‌های خود به ساختار تشکیلات حزب می‌پردازند.

ب- از راس مخروط به پایین را بدنه حزب تشکیل می‌دهد که شامل اعضا و هواداران حزب می باشد یعنی طبقات مردم.

ج- حزب تشکیلاتی است فراگیر و باید مجموعه کثیری از افراد جامعه را در بر بگیرد زیرا اهداف حزب اگر فراگیر و برخاسته از آرمان‌های ملی و مردمی باشد ضرورتاً هواداران زیادی خواهد داشت.

د- رهبران حزب اگر افرادی صالح و مورد وثوق جامعه و ملت باشند باعث گرایش عمومی مردم به آن حزب خواهد شد.

هـ- حزب باید اهدافی بلندمدت و بزرگ داشته باشد و در آن هدف‌های عامه مردم مطرح باشد نه امیال گروهی خاص یا خواسته رهبران که در این صورت مردم در تشکیلات حزب نقش وسیله را برای آرمان‌های گروهی خاص خواهند داشت.

و- بین رهبران و اعضای حزب باید صداقت، صمیمیت و همبستگی در آرمان‌ها وجود داشته باشد.
ز- حزب باید در جهت اهداف خویش وفادار بوده و شفاف عمل نماید.

ح- حزب باید در سلسله مراتب تشکیلات خود اعضا را به کار گیرد به طوری که اعضا احساس کنند که در کارها موثر و دخیل اند.

مطالعه اجمالی وضعیت احزاب کشور ما نشان داده از شرایط لازم یک حزب برخوردار نبوده‌اند و مردم در آن نقش سیاهی لشکر را داشته‌اند . در اینجا ذکر این نکته لازم است که تا در کشور احزاب به معنای واقعی تشکیل نشود امکان تحقق مودکراسی و حاکمیت مردم و تشکیل جامعه مدنی محال است . به‌عنوان مثال در انتخابات تاجر به نشان داده که چه بسیار افراد شایسته که نامزد نمایندگی مردم شده‌اند ولی توفیقی به‌دست نیاورده‌اند و چه بسیار افراد فاقد صلاحیت که به علت نبود حزب و استفاده از تبلیغات غلط و مردم‌فریب موفق شده‌اند .
لدلیل آن این است که نامزدهای انتخاباتی با شعارهای متداول، تکراری و نامرپسند به هدف خود رسیده‌اند و پس از احراز نمایندگی هیچگونه ضامن اجرایی برای عمل کردن به‌وعده‌های خود نداشته‌اند تنها حزب است که قادر است با برنامه مدون برای اداره کشور افراد صالح را از بین اعضای حزب انتخاب و به مردم معرفی نماید و در صورت توفیق خود ضامن اجرای اهداف از پیش تعیین شده خود خواهد بود.

علاوه بر حزب که در درازمدت می‌تواند ضامن گسترش دموکراسی و فراگیری فرهنگ آن باشد باید از مدرسه کار را شروع کرد . شاگردان را در اداره مدرسه به کار گرفت با تدریس دروس تاریخی به تاریخ ارج نهاد . شاگردان را در مبانی دموکراسی و تاریخ آن آشنا کرد و این کار را در مدرسه، دبیرستان، دانشگاه، شوراها و در سطح کشور گسترش داد . باید فرزندان ما از مدرسه سیر تحول دموکراسی را در جهان مطالعه کنند و بیاموزند و به تدریج تجربه کنند تا به‌عنوان یک فرهنگ از فردگرایی رو به‌سوی زندگی جمعی‌آوردند و فکرشان اجتماعی و بتوانند ذهن افراد را پرورش داده و آنها را جای خود را به جمع‌گرایی و جامعه مدنی بدهد . در کشورهای غربی در کلاس‌های درس مسائل اجتماعی را با شاگردان مطرح می‌کنند و شاگردان را با تفکر و به‌اصطلاح دیالوگ آشنا می‌کنند که به‌اصطلاح (Delate) می‌گویند یعنی بحث و گفت‌وگو و جدل . این روش می‌تواند ذهن افراد را پرورش داده و آنها را برای حل مسائل فردی و اجتماعی آماده سازد . به امید آن‌روز .

متن

تصنیف

شعری از عارف قزوینی که بعدها ترانه‌ای معروف شد و زیانزد آزادی‌خواهان ایران گردید . این شعر در رثای شهیدان راه آزادی است .

از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سرو قدشان سرو خهیده
در سایه گل، بلبل ازین غصه خزیده
گل نیز جو من در غمشان جامه دریده
چه کج رفتاری ای چرخ!
چه بدکرداری ای چرخ!
سر کین داری ای چرخ!
نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ!
از اشک همه روی زمین زیر و زیر کن
مشتی گرت از خاک وطن هست به سر کن
غیرت کن و اندیشه ایام بر کن
اندر جلو تیر عدو سینه سپر کن
چه کج رفتاری ای چرخ!
چه بد کرداری ای چرخ!
سر کین داری ای چرخ!
نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ!
از دست عدو ناله من از سردرد است
اندیشه هر آن کس کند از مرگ نه مره است
جانبازی عشاق نه چون بازی نرد است
مردی اگرگت هست کنون وقت نبرد است
چه کج رفتاری ای چرخ!
چه بدکرداری ای چرخ!
سر کین داری ای چرخ!
نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ!



صد متن

ملت به فکر امکان تشکیل دولتی افتاده است که منشاء خدماتی برای مردم باشد، گرچه در حال حاضر دامنه تارضایتی وسیع است و منتهی به هرج و مرج می‌گردد . اما با آنجائی که اطلاع دارم نقشه اساسی برای سرنگون ساختن دولت کنونی وجود ندارد . مردم روستانشین برای به‌دست آوردن قوت روزمره خود مرتباً در تلاشند و با چپاولگری‌ها و ستمکاری‌های ماموران حکومت چنان خو گرفته و بی‌حسن شده‌اند که گمان نمی‌رود به این زودی‌ها علیه هیات حکومت فعلی به نهضتی ملحق شوند، اما در شهرها وضع متفاوت است . ایرانی شهروشنین، با وجود بی‌ایمانی، تشنه و هوشیار است . او می‌داند که ملت روسیه بر آن شده تا آزادی خویش را به‌دست آورده و دولت روس را اینک در وضع بس دشوار و خطرناک قرار داده است . تا همین اواخر در این قسمت از ایران، نام روسیه با عنوان بالاترین قدرت روی زمین مترادف بود، لیکن همین بالاترین قدرت، در حال حاضر هم در زمین و هم در فریا به دست روسیه کوبیده شده است که تا دو سال پیش در ایران حتی از وجود آنها به ندرت اطلاعی داشتند . [منظور ژاپنی‌ها هستند .] معتقدم که این واقعیات اثرانی انکارناپذیر در اینجا به وجود آورده که کسی نتیجه نهایی آن را نمی‌تواند پیش‌بینی نماید . لیکن در این مورد بدون کمترین تردیدی اثر فوری آن این است که هراسی که همیشه درباره اشغال ایالات شمالی به دست روس‌ها در صورت بروز قیام عمومی وجود داشت، زایل شده است .